

کاربرد طنز و شوخی در زبان عامیانه

ریحانه خاتون*

طنز در لغت به معنی نکته ظریف است که با شوخی همراه باشد و شوخی به معنی گستاخی است. سعدی می‌گوید:

نه قوتی که توانم کناره جستن از او نه قدرتی که به شوخیش در کنار کشم
همین‌طور مزاح به معنی هزل، شوخی کردن، خوش طبعی و با مزگی است. باز هم سعدی می‌گوید:

به مزاحت نگفتم این گفتار هزل بگذار و جد از او بردار^۱

و در لغات عرفا هست که مزاح آن است که چون اهل حال همواره راحت اوقات خود را در وجد مخفی گذرانند، گاهی از جهت راحت قلوب، بر سبیل مزاح، نفوس را رخصت دهند و آن را آزاد گذرانند تا از ملالت برهند، و این برای کسی است که در مقام قربت متمکن گردیده باشد و از پایه طبایع خلق ترقی کرده باشد و اوقات مصلحت نزول با طبایع را بداند، و برای مبتدیان چنین وصفی مکروه است، ولی صوفیان را که نفوس آنها در تحت سیاست علم مقهور گشته و بقایای هوی از آن برخاسته بود، روا بود.^۲

در اصطلاحات زبان‌شناسی اجتماعی به‌واژگان و تعبیرهایی برمی‌خوریم که از سوی طبقه‌ای خاص یعنی جوانان مورد استفاده قرار می‌گیرد و به آنها اسلنگ (slang)

* استاد فارسی دانشگاه دهلی، دهلی.

۱. سعدی شیرازی، شیخ مشرف‌الدین مصلح: کلیات سعدی، به تصحیح محمد علی فروغی، ص ۹۶؛ فرهنگ معین، ص ۴۰۵۷.

۲. مشیری، [دکتر] مهشید: فرهنگ فارسی، ج ۲، نشر پیکان، تهران، ۱۳۷۸ ه.ش، ج ۲، ص ۱۶۸۹.

گفته می‌شود یعنی کلمات و ترکیباتی که اغلب جوانان و قشر خاصی از مردم هر جامعه وارد زبان خود می‌کنند که پایدار نیست و بزودی جای خود را به کلمات تازه می‌دهد. درین مقاله بعضی از اسلنگ‌هایی که دارای نوعی شوخی و طنز هستند، مورد بحث قرار می‌گیرد:

• جوانان به جای حال شما خوب است می‌گویند «خوبی یا بچرخم» چرخیدن به معنی این است که فردی دَوَرِ خودش می‌چرخد یعنی دور خودش می‌گردد و این مسأله باعث خندهٔ کسانی می‌شود که او را در حال چرخیدن به دور خودش می‌بینند. پس فردی که می‌گوید «خوبی یا بچرخم» یعنی این که تو خوب هستی یا من به دور خودم بچرخم و تو مرا ببینی و بخندی و احساس خوبی داشته باشی. همین‌طور «خوبی یا بلنگم» یعنی فردی که نمی‌تواند درست راه برود یا یک پای او از دیگرش کوتاه‌تر است و فرد درست راه نمی‌رود و افرادی که او را در این حالت می‌بینند، می‌خندند. پس وقتی که می‌گویند «خوبی یا بلنگم» یعنی این که آیا حالت خوب است یا من بلنگم و تو مرا ببینی و بخندی و احساس کنی که حالت خوب است.

• بعضی‌ها به طنز می‌گویند: «رفلکست تنظیمه». reflex قطعه‌ای در ماشین است که باید حتماً تنظیم باشد، اگر تنظیم نباشد ماشین خراب می‌شود و نمی‌تواند به خوبی کار کند. پس وقتی به کسی می‌گویند «رفلکست تنظیمه» یعنی او را به یک ماشین تشبیه کرده‌اند که اگر reflex آن تنظیم نباشد خوب نیست یعنی جایی که می‌خواهد بزودی یا سروقت برسد نمی‌شود، چون ماشین خراب است.

• و حال در جواب احوال‌پرسی به جای این که بگویند که من خوب هستم، می‌گویند «حالم را دادم موکت کنن». حال به معنی احوال است ولی یک هال با های دو چشم دارند به معنی سالن نشیمن و وقتی که می‌گویند که حالم را دادم موکت کنن منظور این هال با های دو چشم است. پس چون می‌گویند که هال یا اطاق را دادم موکت کنن یعنی با موکت کف آن را فرش کنند. موکت یک نوع فرش کم قیمتی است که ما آن را rug می‌گوییم. در واقع نوعی پاسخ طنزآمیز و همراه شوخی در جواب حالت چه‌طور است» از جانب مخاطب داده می‌شود.

- «کفش پاتم» نشان دهنده فروتنی و تواضع به زبان طنز است. یعنی من در برابر تو بسیار کوچک مثل یک کفش در پای تو هستم.
- میخ اگرچه میله فلزی یا چوبی است که یک سر آن باریک و تیز و سر دیگر آن پهن است و یا کلاهکی دارد. اما واژه «میخ» وقتی به کار می‌رود که فردی مدت زمانی بی حرکت به کسی نگاه می‌کند و شخصی که در مقابل قرار گرفته است، اعتراض می‌کند و می‌گوید «میخ نشو، چکش نداریم». چکش آلتی آهنین با دسته‌ای چوبین شبیه به تیشه است که بدان آهن و میخ و غیره را می‌کوبند.
- اگر یک نفر نمی‌گذارد که کار خودتان را انجام بدهید، به‌وی می‌گویند «موی دماغ» شده، یعنی مزاحم کارتان است.
- به انسان‌هایی که بسیار سیگار می‌کشند «دودکش» گفته می‌شود زیرا مرتباً از بینی و دهان آنها دود بلند می‌شود، مثل دودکش بخاری که از آن دود بلند می‌شود.
- اگر به کسی «عتیقه» می‌گویند، به معنی بسیار قدیمی و آنتیک (antique)، یعنی خیلی پیر است.
- عبارت «آمپرش بالا رفته»، یعنی temperature high شده است و یا «سوپاپش بیرون زده» برای موقعی استفاده می‌شود که فردی بسیار عصبانی است، زیرا بالا رفتن آمپر (phase) آب ماشین و بیرون زدن سوپاپ (pump) آن، نشانه جوش آوردن رادیاتور (radiator) و در نتیجه خوب کار نکردن و از کار افتادن موتور ماشین است.
- «یاتاقان زده» برای کسی استفاده می‌شود که می‌خواهند بگویند پیر و خسته و فرسوده شده است. یاتاقان قسمتی از قطعات ماشین است. دو نیم دایره در اتومبیل، جایی که دسته پیستونها (pistons) بر روی میل لنگ نصب می‌شود قرار دارد. یاتاقان وسیله‌ای فلزی یا لاستیکی یا چرمی است که از سائیده شدن بازوی چرخ جلوگیری می‌کند. پس یاتاقان باید همیشه در روغن شناور باشد و وقتی به کسی گفته می‌شود یاتاقان زده مراد این است که مثل ماشین فرسوده و کهنه شده است (یعنی پیر شده است).

- وقتى كه يك اتومبيل به صافكارى (servicing) مى رود كاملاً تميز و مرتب مى شود و عيوب آن برطرف مى گردد. صافكارى عمل و شغل صافكار است. پس به كسى كه به آرايشگاه رفته باشد براى تراشيدن صورت يا از بين بردن چين و چروك و لكه و غيره، مى گويند «رفته صافكارى».
- «گل گير» يكي از قطعات ماشين است كه در اتومبيل، موتورسيكلت و دوچرخه قرار دارد براى جلوگيرى از پخش شدن گل هاىي كه بر اثر دوران چرخ ها به بيرون پرتاب مى شود. گل گير پوششى فلزى يا پلاستيكي است كه به صورت قاب محدب ديره يى شكل روى چرخ ها را مى پوشاند كه به انگليسى (mudguard) مى گويند. وقتى كه موهاى دو طرف صورت (خط و خد يا به انگليسى side burns) فردى در حال سفيد شدن است و دارد پير مى شود، مى گويند «گل گيرهايش سفيد شده است».
- ديفرانسيل يكي از قطعات ماشين است كه نيروى لازم را بنابر احتياج چرخ ها به آنها منتقل مى سازد و چون سر پيچ هاى چرخ به يك سرعت نمى گردند، بايد نيروىي كه بر آنها وارد مى شود، غير مساوى باشد. پس نياستى ديفرانسيل خيلى پايين قرار بگيرد. وقتى كه كسى قسمت پايين بدنش کوتاه تر از بالا تنه اش باشد، چه مرد و چه زن، مى گويند كه «ديفرانسيل پايينه».
- يك معنى ديگر اين است كه ديفرانسيل اگر كهنه و قديمى باشد، خوب كار نمى كند. پس «ديفرانسيل پايينه» به طنز به آنها مى گويند كه قديمى اند و مډرن نيستند.
- وقتى نمى خواهند به كسى توجه كنند و در عين حال مى خواهند او را از سر خود وا كنند براى تمسخر به او مى گويند «برو جلو بوق بزن».
- فاز (phase) مخصوص كنتور برق است كه با فاز مثبت و منفي هردو كار مى كند. اگر يك فاز نداشته باشد، نمى تواند جريان برق را از خود عبور بدهد. براى انساني كه برايش «يك فازش كمه» به كار مى برند، معمولاً مغزش معيوب است و دچار خنگى (dumb) و حماقت مى باشد.
- به كسانى كه گوش هاى بسيار بزرگى دارند. به طنز مى گويند كه «آيينه بغل اتوبوس» و كسانى را كه يك چشم آنها كار نمى كند «يك لامپى» مى گويند.

- در مسابقات فوتبال: «آف ساید، استفاده می‌شود یعنی خارج از محدوده قابل قبول میدان. این یکی از خطاهای ورزشی در بازی میدانی است. پس «دماغش توی آف ساید است» برای کسانی به کار می‌رود که بینی‌شان بسیار بزرگ و خارج از حد معمول است.
- اگر کسی شکم بسیار بزرگ دارد، آن را به تراس (terrace) یا بالکن تشبیه می‌کنند و می‌گویند که «بدون اجازه شهرداری بالکن زده است». همین‌طور چون رجال و شخصیت‌های برجسته مملکت در بسیاری موارد دارای شکم‌های بزرگی بوده‌اند پس به آنها می‌گویند «جزو شخصیت‌های برجسته مملکت شده است».
- واژه «۱۸ قدم» را در مسابقات فوتبال برای منطقه حساس به کار می‌برند. کسی که پا را از گلیم خود فراتر گذاشته است و در کارهایی که مربوط به او نیست دخالت کرده است، می‌گویند که طرف تو ۱۸ قدم رفته است.
- کار رنگرزی این است که پارچه و لباس را از رنگی که دارد به رنگ دیگری درمی‌آورند. فردی که بسیار دروغ‌گوست نیز همین‌طور است که واقعیات را تحریف می‌کند و به صورت دیگر نمی‌آرد. پس به او می‌گویند «رنگرزی داره» یا «ماست‌بندی داره»: ماست‌بند شیر را به ماست تبدیل می‌کند، دقیقاً کاری که فرد دروغ‌گو می‌کند نیز همین است.
- «سازمان گوشت» به انسانهای بسیار چاق می‌گویند. سازمان گوشت محلی است که لاشه حیوانات را پس از ذبح در آنجا نگه می‌دارند و سپس به قصابی‌ها برای توزیع و فروش می‌فرستند، و در این محل گوشت فراوانی وجود دارد.
- «سیبیلش چهل بیل» به مردانی گفته می‌شود که سیبیل بزرگی دارند. سیبیل همان (mostache) است ولی اگر به صورت جدا نوشته می‌شود سیبیل می‌شود. پس عدد سی را بزرگ کرده به چهل تبدیل می‌کنند و می‌گویند که سیبیلش چهل بیل است.
- به کسانی که بسیار لاغر و دراز هستند به طنز می‌گویند «صبحانه نان و پنیر و نردبان می‌خورد». لاغری این افراد را به نردبان تشبیه کرده‌اند. مثل این که این افراد همراه نان و پنیر نردبان را هم می‌خورند و به همین دلیل مثل نردبان خشک و دراز و لاغر هستند.

- دوزاری (= دو هزاری/معادل دو ریال) نوعی از سکه‌های رایج در کشور ایران بوده که برای استفاده در تلفن‌های عمومی به‌کار می‌رفته است. اگر یک سکه دوزاری کسی کج بود نمی‌شد از آن در این مورد استفاده کرد. اگر به‌کسی بگویند که «دوزارش کچه» یعنی این‌که او متوجه قضایا نیست و نباید به‌او توجه شود و باید او را کنار گذاشت.
- به‌افراد بیکار که فقط راه می‌روند و نگاه می‌کنند می‌گویند «مهندس ناظر». زیرا مهندس ناظر شخصی است که نظارت به‌ساختمان‌سازی می‌کند، مرتب راه می‌رود و ساختمان را نگاه می‌کند تا مشکلی در ساختن نداشته باشد.
- کسانی که بسیار خیرچین هستند، مثل آنتن تلویزیون که بر بام خانه نصب می‌شود و از همه خبر می‌دهد «آنتن» می‌گویند.
- به‌کسی که در کار دیگران دخالت می‌کند، مثل نخست وزیر که حق دارد در کار وزرا دخالت کند و نظر خود را اعلام کند، وی را «نخست وزیر» می‌گویند.
- به‌دانش‌آموزان تبل «دانشمند خاموش» می‌گویند، زیرا هیچ علمی برای عرضه ندارد.
- اگر کسی اظهار علم و فضل کند و معلوم باشد که چیزی نمی‌داند و فقط ادعا می‌کند، به‌او به‌طنز می‌گویند «فردوسی شدی شعر می‌گی» یا «تو بگو، کیه که گوش کنه؟» (که هست که گوش کنده؟) یعنی چون ما می‌دانیم که تو چیزی نمی‌دانی به‌آن دقیق گوش نمی‌دهیم و از آن استفاده نمی‌کنیم ولی تو حرف خودت را بگو.
- به‌کسی که خیلی می‌خندد می‌گویند «نخند»، مسواک گرون می‌شه». یعنی وقتی خیلی می‌خندی دندان‌هایت دیده می‌شود و مجبور می‌شوی برای سفید و تمیز نگه داشتن آنها مسواک فراوان استفاده کنی و مصرف مسواک بالا می‌رود و مسواک در بازار کم و گران قیمت خواهد شد.
- به‌کسی که عینک کثیف دارد و آن را تمیز نمی‌کند، به‌طنز می‌گویند «با جواز عینک، برف پاک‌کن هم می‌دهند». یعنی اگر جواز عینک را نشان بدهی به‌تو برف پاک‌کن (wiper) که وسیله‌ای است که جلوی شیشه اتومبیل نصب شده است تا برف روی شیشه اتومبیل را پاک کند، به‌تو می‌دهند تا شیشه عینک‌ات را تمیز کنی و خوب بتوانی ببینی.

- «بیست و چهارت را بکن بیست و هشت» به کسانی گفته می‌شود که بسیار تنبل هستند و به راحتی از وقت استفاده نمی‌کنند. پس به طنز از آنها خواسته می‌شود که شبانه روز را به جای بیست و چهار ساعت، بیست و هشت ساعت فرض کنند و زمان بیشتری را به کار و عمل اختصاص دهند.
 - «کیک خامه‌ای» (cake) به خانم‌هایی گفته می‌شود که خیلی آرایش می‌کنند و مثل یک لایه خامه که برای تزیین روی کیک می‌ریزند، اینها هم برای تزیین چهره‌شان از لوازم آرایش فراوانی استفاده می‌کنند. و وقتی خانمی پس از چند ساعت دوبار آرایش خود را تجدید می‌کند می‌گویند «خاکه رو خاکه کرده» (ته بر ته کردن).
 - رادار نوعی وسیله است که با آن امواجی را می‌فرستند یا می‌گیرند و ازین طریق اخبار مطلع می‌شوند. کسانی را که حواس‌شان جمع است یعنی با ذکاوت و با هوش هستند می‌گویند رادار شما خوب کار می‌کند.
 - خشت، آجر ناپخته و خام و نوعی مصالح برای ساختن ساختمان است که ظاهر زیبایی ندارد. ظاهراً به فردی که بسیار زشت است می‌گویند «آس خشتیه».
 - به فردی که مدتی خیره به کسی نگاه کند می‌گویند «شناختی، دُم‌ت را تکان بده» یعنی طرف مقابل را به سگ تشبیه می‌کنند، زیرا همان‌طور که سگ به صاحب خود خیره نگاه می‌کند و دُم‌ش را تکان می‌دهد او هم خیره به دیگران نگاه می‌کند و این نوعی بی ادبی محسوب می‌شود.
 - اگر کسی را ببینند که اتومبیل خراب و فرسوده سوار شده است، می‌گویند «ماشینش ژنبزه». ژنبزه مخفف دو کلمه ژبان و بنز است. ژبان اتومبیلی قدیمی کوچک و ارزان قیمت بوده، درحالی‌که بنز یک اتومبیل گران قیمت و درجه یک است.
- طنز به صورت (slang)، از سوی جامعه به آسانی پذیرفته نمی‌شود. چون زبان معیار رسمی هر جامعه‌ای بیشتر زبان افراد تحصیل کرده و با سواد است که دارای فرهنگ خاصی هستند. اما آموختن این نوع عبارات و جملات برای نویسندگان داستان، فیلم‌نامه‌نویس‌ها، نمایشنامه‌نویس‌ها که گاهی شخصیت‌های آثارشان جوانان و ارادل‌ها را آوازش هستند ضروری به نظر می‌رسد.

منابع

۱. سعدی شیرازی، شیخ مشرف‌الدین مصلح: کلیات سعدی (گلستان، بوستان، غزلیات، قصاید، قطعات و رسائل)، به‌اهتمام محمد علی فروغی، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ پنجم ۱۳۶۵ ه.ش.
۲. مشیری، [دکتر] مهشید: فرهنگ فارسی، ج ۲، نشر پیکان، تهران، ۱۳۷۸ ه.ش.
۳. معین دشتی، [دکتر] محمد معین: فرهنگ فارسی، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ هشتم ۱۳۷۱ ه.ش.



شوریه‌شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی